

## صبر در مصیبت، مانع سقوط انسان



خلاصه درس اخلاق آیت الله مظاهری درباره صبر به عنوان یکی از موانع سقوط انسان تقدیم می شود. ایشان در جلسات قبل «صبر در عبادت» و «صبر در مصیبت» به عنوان دو قسم از اقسام «صبر فردی» پرداختند و اینک به تبیین قسم سوم صبر فردی، یعنی «صبر در مصیبت» می پردازند. اقسام بلا و مصیبت

خبرگزاری مهر- خلاصه درس اخلاق آیت الله مظاهری درباره صبر به عنوان یکی از موانع سقوط انسان تقدیم می شود. ایشان در جلسات قبل «صبر در عبادت» و «صبر در مصیبت» به عنوان دو قسم از اقسام «صبر فردی» پرداختند و اینک به تبیین قسم سوم صبر فردی، یعنی «صبر در مصیبت» می پردازند. اقسام بلا و مصیبت

مصائب و بلایای زندگی آدمیان به سه دسته کلی منقسم می شوند. به عبارت دیگر، رخدادها و حوادث ناگوار، سه عامل پدید آورنده دارند؛ قسم اول، مصائب اکتسابی یا مصائبی هستند که خود انسان در وقوع آن نقش مستقیم دارد. قسم دوم، مصائب خدادادی هستند که بدون تقصیر انسان، از جانب خداوند سبحان نازل می شود. قسم سوم، مصائب تحمیلی از سوی جامعه می باشند که رخداد آنها، نه از جانب خداوند و نه تقصیر خود انسان است، بلکه جبر اجتماع و محیط پیرامون، عامل پدید آورنده آن حوادث و بلایا هستند. در این جلسه به شرح اقسام بلا و مصیبت خواهیم پرداخت.

### قسم اول مصائب: مصائب اکتسابی

در بسیاری از موارد، مصائب و بلایای انسان، بازتاب رفتار و عملکرد خود اوست. از آنجا که پدید آورنده این گونه مصائب، خود انسان است، مصائب اکتسابی نام می گیرند. مثلاً افراد گناهکار، در اثر گناه و نافرمانی، معمولاً زندگی پریشان و ناآرامی دارند و این مصیبت را خود به وجود آورده اند. اشخاص ناباب و تابع هوی و هوس و کسانی که خانه آنان پر از شهوت و هوس رانی است، طبق سنت خداوند سبحان، بدبخت و پریشان احوال خواهند بود. قرآن کریم می فرماید: «وَفَحْلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا» [1]

یعنی یک طایفه مقدسی بودند و رفتند و به جای آنها طایفه ای روی کار آمدند که به نماز و عبادت اهمیت نمی دادند و شهوتران بودند. سپس می فرماید: آنان حتماً گمراه و بدبخت هستند.

بسیاری از مفسرین، عبارت «وَفَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا» را چنین معنا کرده اند که حتماً آن افراد بی نماز و شهوتران، به جهنم می روند. اما اطلاق آیه صرفاً عذاب جهنم را نمی رساند، بلکه «وَفَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا» تحقیقی است و معنایش این است که حتماً و یقیناً، سنت خداوند آن است که آدم شهوتران، بدبخت شود. بنابراین می توان گفت: بدبختی او فقط در آخرت نیست، بلکه از دنیا شروع می شود و تا قیامت و پس از ورود به جهنم، ادامه خواهد یافت. همچنین کردار آدم مسرف و تجمل گرا، چنین اقتضا می کند که او در همین دنیا و هنگام مواجهه با معضلات ناشی از تجمل گرایی، سوزندگی جهنم را احساس کند و در آخرت هم زیر هُرم جهنم بسوزد.

### مصائب اکتسابی پاداش ندارد

همان طور که بیان شد، مصیبت اکتسابی یا بلای ناشی از گناه یا اشتباه، از سوی خداوند سبحان نازل نمی شود و خود انسان، پدید آورنده آن است. در این صورت، کسی حق ندارد مصیبت اکتسابی خود را تقصیر خدا بداند و مهم تر اینکه در صورت رخداد چنین مصائبی، کسی حق ندارد انتظار پاداش از جانب خداوند متعال داشته باشد.

انسانی که در اثر گناه یا خطای خود دچار بلا شده، چاره ای جز توبه ندارد. او باید با بازگشت به سوی خدا و جبران گذشته، به محو آثار زیان بار گناه و اشتباه خود بپردازد، وگرنه گناه او، او را به نوعی زندگی توأم با نگرانی، فقر، دلهره و اضطراب مبتلا می کند.

کسانی که با دیدن فیلم ها و تصاویر مبتذل و شهوت انگیز در جمع خانواده و رفت و آمد با افراد لایبالی، به مصیبت بی عفتی همسر یا دختر خود گرفتار شده اند، اشخاصی که در اثر دروغ گویی، حقه بازی، ظلم و کسب مال حرام یا در پی تربیت غلط، دچار فرزند فاسد، معتاد و نظایر آن هستند و نیز افرادی که در اثر تنبلی، از کار یا تحصیل گریزان بوده و جوانی خود را با خوش گذرانی و بطالت، تباه کرده اند و هنگام پیری خواه ناخواه محتاج دیگران شده اند، نباید بدبختی و مصیبت خود را تقصیر خدا بدانند، بلکه این اشخاص باید توبه کنند و با جبران گذشته غلط خود، سرنوشت جدیدی برای خود رقم بزنند و خود را از عذاب دنیا و آخرت رهایی بخشند.

البته گاهی بلایایی نظیر فقر و فساد، زاییدهٔ جبر اجتماع است که در قسم سوّم مصیبت، توضیح داده می‌شود.

فقر و نا امنی، زاییدهٔ گناه

بسیار اتفاق می‌افتد که افراد در اثر عملکرد خودشان گرفتار می‌شوند و به جای توبه و عذرخواهی از خداوند سبحان، از او گلایه دارند و پروردگار را مسبّب شقاوت خویش می‌دانند. قرآن در آیاتی با صراحت تمام، تیره بختی آنان را بازتاب اعمال خودشان بر می‌شمرد:

&171#ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ[2]

یا رسول الله! برای مردم طایفهٔ مقدسی را مثال بزن که ابتدا با ایمان و نیکوکار بودند. نعمت مثل باران برای آنها می‌بارید و زندگی آنان پرنشاط و عاری از فقر، فلاکت، غم و غصه بود. اما ناگهان تغییر یافتند و به گناه روی آوردند و نعمت‌های الهی را بی‌جا و در گناه و در گسترش فساد مصرف کردند. سپس می‌فرماید: آن طایفه، گرفتار ناامنی و فقر شدند. بعد اضافه می‌کند که خیال نکنید بدبختی آنها از طرف خدا بود، بلکه خودشان بر سر خودشان مصیبت آوردند.

سِتّ خداوند سبحان این است که ملت صالح، شایسته و درست‌کار، سعادت‌مند شوند. همچنان‌که طبق سِتّ الهی، ملت گناهکار، ظالم و بی‌بندوبار، شقاوت‌مند خواهند شد.

قسم دوّم مصائب: مصائب خدادادی

دسته‌ای از مصائب، مصائبی هستند که انسان در وقوع آن دخالت و تقصیری ندارد و در واقع، آن بلا یا مصیبت، از جانب خداوند متعال است. صبر در برابر این مصایب، ارزش والایی دارد و منتهی به رشد معنوی انسان شده، مانع سقوط وی خواهد بود.

مصائب خدادادی، الطاف خفیه خداوند

اهل معرفت بر این باورند که مصائب خدادادی، الطاف خفیه خداوند متعال هستند. گاهی الطاف پروردگار متعال، آشکارا به انسان می‌رسد که به آن الطاف جلیّه گفته می‌شود. نعمت‌های ظاهری نظیر زندگی خوب، خانواده صالح و بدن سالم، از الطاف جلیّه محسوب می‌شوند. این الطاف، نیاز به صبر ندارند، ولی به جا آوردن شکر چنین نعمت‌هایی لازم است. در مقابل، الطاف خفیه، از آن نظر که نعمت‌های باطنی هستند و ظاهری دشوار و بلاگونه دارند، صبر و استقامت می‌طلبند. از این رو، اهل دل، الطاف خفیه را برتر و کاربردی‌تر از الطاف جلیّه می‌دانند و از فرصت معنوی صبر در بلا، بهره‌های فراوانی می‌برند.

صبر در مصائب خدادادی، مانع سقوط انسان

صبر و استقامت، در مقابل بلای خدادادی و مصیبتی که خداوند سبحان مقدّر و مقرّر فرموده است، بسیار ارزش دارد. اهمیّت صبر در برابر مصیبت خدادادی به قدری است که خداوند رحمان و رحیم در قرآن کریم به کسی که در مشکلات و در امتحان الهی خود را نیاز و در مواجهه با بلا، اسقامت ورزد و ناشکری، ناسپاسی و جزع و فزع نکند، بشارت داده و درود فرستاده است:

&171#أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ[3]

هدایت در این آیه شریفه، هدایت عنائیه است، یعنی دست عنایت خداوند متعال روی سر انسان صابر و شکیبیا خواهد بود و معلوم است چنین کسی رستگار می‌شود و افزون بر نیل به سعادت دنیا و آخرت، سقوط نخواهد کرد.

بنابراین انسان باید هنگام برخورد با مصیبت یا نزول بلا، صبر و استقامت داشته باشد؛ به این معنا که باید در صورت توان، مشکل را حل کند، وگرنه از کنار مشکل بگذرد و اگر نشد، باید مشکل را به دوش بگیرد و به حرکت خود در زندگی ادامه دهد. هرچند ممکن است حرکت چنین کسی آهسته و توأم با مانع باشد، اما باید همان حرکت کند را با صبر و حوصله ادامه دهد و در هر صورت، توقف، به خصوص در حرکت معنوی، ممنوع است و منجر به خروج از مسیر یا سقوط خواهد شد.

اهل دل، در بن بست‌ها و در مواقعی که موانع و مشکلات بزرگی آنان را احاطه می‌کند، از نماز کمک می‌گیرند:&171#استَعِیْثُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ[4] و با دو رکعت نماز با حضور قلب، از خداوند متعال می‌خواهند که توفیق و قدرت صبر و استقامت و فهم و شعور برای فائق آمدن بر دشواری‌های سلوک معنوی و نیز سختی‌های زندگی به آنان عطا فرماید. خداوند متعال نیز حاجت آنها را روا کرده، به

آنان پاداش عنایت می‌کند و راه سعادت و رستگاری را برای چنین کسانی هموار می‌سازد.

قسم سوم مصائب: مصائب تحمیلی از سوی جامعه

دسته دیگری از مصائب و بلاها، حوادث ناخوشایند و دشواری هستند که از سوی جامعه به انسان تحمیل می‌شود. این دسته از مصائب، از آن جهت که تقصیر خود شخص نیست، عقاب ندارد و از آن روی که مقدر خداوند سبحان نیست، مستوجب پاداش نخواهد بود، اما پروردگار متعال بنابر قاعده لطف خود و از سر رأفت و رحمت واسعه‌ای که نسبت به بندگان دارد، به کسانی که دچار این‌گونه مصائب شده‌اند نیز پاداش عنایت می‌فرماید.

افزون بر این، افرادی که مبتلا به بلایای ناشی از جبر اجتماع هستند، اگر جداً مقصر نباشند، با صبر و استقامت در برابر مصیبت، رشد معنوی می‌یابند و شکیبایی در همان مصیبت، می‌تواند عامل سعادت و رستگاری و مانع سقوط آنان شود.

مثال بارز این دسته از مصائب، مشکلات، معضلات و موانعی است که جبر جامعه برای ازدواج و اشتغال جوانان پدید آورده است. اکنون بسیاری از جوانان آمادگی ازدواج دارند، اما فقر و نارسایی، گرانی و فقدان امکانات اولیه، نظیر مسکن مناسب، و همچنین رواج تجملات و گسترش تشریفات ازدواج، مانع ازدواج آنان شده است.

دختر یا پسر که در سن ازدواج است یا حتی سن ازدواج او گذشته و تمایل به ازدواج دارد، اگر به جهت سخت‌گیری و نظایر آن مقصر نباشد، صبر و بردباری او در عزوبت و خویش‌تن‌داری و استعفاف او، هم پاداش دارد، هم پروردگار متعال جبران آن را می‌کند و هم می‌تواند از شرایط حساس خود و صبر و استقامتی که از خود نشان می‌دهد، بهره‌برداری معنوی کند و رستگار شود.

همچنین کسانی که استعداد و نیروی کار دارند، اما با توجه به معضل مهم بیکاری و کمبود اشتغال، فقیر و نیازمند شده‌اند، چون فقر آنان در اثر تنبلی و تقصیر خودشان نبوده، در صورت شکیبایی و استقامت، پاداش صبر خود را می‌گیرند و خداوند از سقوط آنان جلوگیری خواهد کرد. این در حالی است که خداوند چنین سرنوشتی برای آنان نخواست، بلکه شرایط حاکم بر اجتماع، آنان را دچار مصیبت کرده است.

بنابراین صبر در مصائب تحمیلی از سوی اجتماع نیز نظیر صبر در برابر مصائب خدادادی ارزشمند و مأجور است. به عبارت روشن‌تر، هرگاه مصیبتی برای انسان پدید آمد و تقصیر خودش نبود، شکیبایی در برابر آن مصیبت و خودداری از جزع و فزع، حتماً ثواب و نتیجه دارد. حال اگر کسی هنگام مواجهه با چنین مصائبی ناشکیبا باشد و خودش را بیازد، بی‌صبری و ناشکیبایی او نه تنها از میزان مصیبت و بلای او نمی‌کاهد، بلکه وی را از پاداش و فرصت معنوی محروم می‌سازد. چنین کسی، بنابر آن ضرب المثل معروف، هم محکوم به خوردن پیاز است و هم باید درد تازیانه را تحمل کند و هم جریمه نقدی بپردازد.

افرادی که در مشکلات زندگی ناشکر و ناسپاس هستند و از خداوند گله و شکایت دارند، مصداق این ضرب المثل هستند؛ نظیر آنان که مرتب به خدا می‌گویند: خدایا! چرا مرا بیکار کردی؟ خدایا! چرا من فقیرم؟ خدایا! چرا من مجردم و همسر ندارم؟

خداوند متعال، این طرز ناسپاسی و جزع و فزع را ندیده می‌گیرد، و گرنه گاهی منجر به کفر می‌شود و بسیار خطرناک است.

تجلی بارز صبر و شکیبایی در کربلا

افراد مصیبت دیده باید اهل بیت(ع) را سرمشق خود قرار دهند و صبر و شکیبایی را از آن بزرگواران بیاموزند. تجلی بارز صبر و شکیبایی، در قیام کربلا و در رویارویی خاندان وحی با دشوارترین مصائب عالم رخ داد.

امام حسین(ع) 171#س» درک کرده بودند که شهادت ایشان در کربلا، مصلحت تامّه ملزمه است: 171#س» إِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاكَ قَتِيلًا [5]. حضرت زینب(ع) 171#س» سلام‌الله‌علیها» نیز فهم این را داشتند که اسارت ایشان، مصلحت است: 171#س» إِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاهُنَّ سَبَايَا [6]؛ یعنی آن دو بزرگوار و یاران و اطرافیان ایشان می‌دانستند که خداوند می‌خواهد گروهی از آنها شهید و دسته‌ای اسیر شوند، تا اسلام عزیز باقی بماند، از این رو همگی فدای دین شدند و بر شهادت و اسارت خود و مصائبی که به آنان تحمیل شد، صابر و شکیبا بودند.

ابن زیاد در آن جلسه کذابی به حضرت زینب(ع) 171#س» گفت: دیدی خدا چه بلایی بر سر شما آورد؟ زینب مظلومه فرمود: 171#س» مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا [7]؛ یعنی تو حکمت و مصلحت خداوند را نمی‌فهمی، ما به غیر از خوبی در این مسافرت چیزی ندیدیم. بعد هم فرمود: مادرت به عزایت بنشیند، ای پسر مرجانه! و با این جمله، سابقه او و گذشته ناشایست مادرش را به خاطرش آورد.

این برخورد شجاعانه و پرافتخار و این پاسخ کوبنده حضرت زینب&#171#س» از آنجا سرچشمه می‌گیرد که ایشان همانند برادرانش و نظیر پدر و مادر و جد بزرگوارش، آن مصائب را از الطاف خفیه خداوند می‌داند و نسبت به آن مصائب، بردبار و صبور است. چنان‌که امام حسین&#171#ع» قبل از شهادت می‌فرمایند: &#171#رضی الله رضانا أهل البیت تصیرُ علی بلاءه و یوفینا أجور الصّابّین«[8]؛ یعنی خدایا این بلا، از الطاف خفیه توست و من صد در صد به این لطف خفیه تو راضی هستم و در برابر آن صبر و استقامت می‌ورزم.

پی‌نوشت‌ها

=====

1. مریم/ 59

2. نحل/ 112

3. بقره / 157

4. بقره/ 153.

5. بحارالأنوار، ج 44، ص 364

6. همان

7. بحارالأنوار، ج 45، ص 115

8. بحارالأنوار، ج 44، ص 366